

بازشناسی نقش "هندسه" در سازماندهی فضایی آثار معماری از منظر معنا و مفهوم

احمد رضا اسلامی^{۱*}، سیده زهره شاه امیری^۲

۱- کارشناس ارشد معماری داخلی از دانشگاه هنر تهران ahmadreza_eslami@yahoo.com
۲- کارشناس ارشد مطالعات معماری ایران از دانشگاه هنر اصفهان zohreshahamiri@gmail.com

چکیده

هندسه، همواره به عنوان ابزاری در بست و تحول معماری سهیم بوده است و علی رغم وجود تفاوت های عظیم فرهنگی میان جوامع گوناگون، زمینه های مشترک پهنای در استفاده از هندسه وجود دارد. هندسه به عنوان الگویی در سازماندهی صورت معماری بدون وابستگی به زمان و مکان همواره نقش خود را ابتدای پیدایش معماری تا به امروز ایفا کرده است. بنابراین بازشناسی نقش معنایی و محتوایی هندسه برای درک بهتر اهمیت بنیادین آن در شکل گیری آثار معماری لازم و ضروری است. هدف از این مقاله بررسی مفهوم هندسه از منظر های گوناگون محتوایی و در نهایت از منظر معماری ایران می باشد. در این پژوهش به منظور جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از روش کیفی و تحقیق کتابخانه ای استفاده شده است. آنچه به عنوان نتیجه از این تحقیق بدست آمده، عبارتست از اینکه، هندسه به عنوان الگویی جهت سازماندهی فضا در طراحی معماری، ریشه در ذات هستی و انسان دارد. بشر با آگاهی از نظم موجود در جهان هستی به الگو برداری از آن در ساخته های خود می پردازد تا به گونه ای میان این جهان خود ساخته و جهان هستی ارتباطی جاودانه را پایه گذاری کند.

واژه های کلیدی: معماری، هندسه، سازمان فضایی، صورت، معنا.

۱- مقدمه

هدف بنیادی همه ی نظریه ها درباره ی هندسه و تناسبات در کار هنری، پدید آوردن احساس نظم و سامان بخشی میان بخش های مختلف یک اثر می باشد که این سازمان دهی در یک رشته تجربیات پیوسته توسط شخص، امکان ایجاد حس زیبایی را داشته باشد. هر دستگاه ساماندهی هندسه و تناسبات، دارای نسبت های ویژه ای است که میان بخش ها با هم، و نیز هر بخش با کل، برپاست. بشر از دیرباز به رابطه ی میان اندازه ها و شکل ها پی برده و تلاش کرده با اندازه ها به شکل ها برسد، یا با شکل ها، اندازه ها را نشان دهد. بنیاد طبیعت و چیزهایی که در آن هستند، بر پایه ی تناسبات ویژه ای پی ریزی شده است و بشر از گذشته های دور در پی کشف این تناسبات بوده است، تا هم به کنجکاوی خود پاسخ دهد و هم از این تناسبات در آفریده های خویش بهره گیری کند. چشم انسان از آغاز گشایش به گیتی، با هندسه و اندازه هایی آشنا می شود که خداوند در پی ریزی طبیعت و در آفرینش خود انسان بکار برده است. عادت به این اندازه ها سبب می شود، ما ناخودآگاه، هر چیزی را که با آن ها متناسب باشد، زیبا بدانیم. در بکارگیری تناسبات، همه ی ما این پیش فرض را داریم که هر نسبتی به طور واقعی و همانند، از سوی هر کسی، یکسان درک می شود و گرنه بهره گیری از هندسه و تناسبات سودی نخواهد داشت [۱]. بنابراین عنصر اساسی و دست مایه بنیادین هنر و معماری هندسه و تناسبات است. در فضای قانونمند هندسه و تناسبات است که هر چیزی و از آن جمله اجزای یک خانه و حتی یک شهر می تواند به دایره هستی قدم گذارد و در فضای کثرات و